

کلمه جسم گردید

اعتقادنامه سازمان خدمات مسیحی «لیگنیِر» در رابطه با آموزه «مسیح شناسی»

پاسخ هر سوالی که در رابطه با هویت مطرح است، در مسیح یافت می‌شود. هویت ما مسیحیان با استعدادها و پیش‌زمینه ما تعریف نمی‌شود. اگرچه همه اینها در جایگاه خود مهم می‌باشند، اما هویت ما با این واقعیت تعریف می‌گردد که ما به واسطه ایمان، در مسیح هستیم؛ و از این‌رو، خلقتی تازه می‌باشیم (دوم قرنتیان ۵:۱۷). این هویت منجی ما است که هویت ما را مشخص می‌کند. شخصیت منجی ما، و کاری که به انجام رساند، گستره و چارچوب نجات ما را تعیین می‌کند. او قلعه محکم ما است. ما از غضب خدا به او پناه می‌بریم. او در قلمروی سلطنت خالقمان، همه‌چیز را از نو بنا می‌سازد.

از همان ابتدای شکل‌گیری کلیسای مسیحی، ایمانداران همواره معترف بوده‌اند که میان هویت و کار مسیح، ارتباطی جدایی‌ناپذیر وجود دارد. ماهیت شخصیت مسیح به ما کمک می‌کند تا کار او را درک نماییم. به همین نسبت، کاری که او به انجام رسانده است، به ما روشن‌گری می‌بخشد تا شخصیت او را درک نماییم. بنابراین، هر گونه تاخت و تاز به درک و بینش کلیسا از شخصیت مسیح، بر درک و بینش کلیسا از کاری که مسیح به انجام رساند، تأثیر می‌گذارد. به همین شکل، هر گونه تاخت و تاز به درک و بینش کلیسا از کاری که مسیح به انجام رساند، بر درک و بینش کلیسا از شخصیت مسیح تأثیرگذار است. هر بحث و گفتگویی که در رابطه با نجات ما، و مفهوم «در مسیح بودن» مطرح می‌شود، ما را با درک و بینشمان از هویت مسیح روبه‌رو می‌سازد. درک ما از شخصیت و کار مسیح، چارچوب الهیات و عملکردهایمان را مشخص می‌نماید.

از این‌رو، کاملاً لازم و حیاتی است که آنچه را کتاب مقدس درباره شخصیت و کار مسیح بیان می‌کند، به درستی درک نماییم. اگر این حقیقت را به درستی متوجه شویم، همه الهیاتی که به آن اعتقاد داریم، در جایگاه صحیح خودشان قرار می‌گیرند. این اعتقادنامه به این منظور تهیه شده تا در شناخت ایمانداران از هویت مسیح، و کاری که به انجام رساند، ایشان را یاری نماید. باشد که جلال و شکوه انجیل، و هویت خودمان را در مسیح به درستی درک نماییم.

آر. سی. اسپرول

اکتبر ۲۰۱۵ سن‌فورد، فلوریدا

ما معترفیم به این سر و این اعجاز

که خدا جسم پوشید

و وجد و شادی می نماییم در نجات عظیم خود

به وساطت عیسی مسیح؛ خداوندمان.

به همراه پدر و روح القدس

پسر همه چیز را آفرید

او عامل بقای همه چیز است

و همه چیز را تازه می سازد.

خدای راستین

به واقع انسان شد

دو ذات در یک شخص.

او از مریم باکره تولد یافت

و در میان ما زندگی کرد.

مصلوب شد، جان داد، و دفن گشت

او در روز سوم زنده شد

به آسمان صعود نمود

و دوباره باز خواهد گشت

در جلال و داوری.

برای ما

او شریعت را نگاه داشت

برای گناه کفاره کرد

و غضب خدا را فرو نشاند.

او لباس کهنه و چرکین ما را گرفت

و ما را بخشید

ردای عدالتش را.

او نبی، کاهن، و پادشاه ما است

کلیسایش را بنا می سازد

برای ما شفاعت می کند

و بر همه چیز سلطنت می نماید.

عیسی مسیح خداوند است

نام قدوس او را تا ابد می ستاییم.

آمین.

اعترافها و انکارها

همراه با گواهی از کلام خدا

اصل اول

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی مسیح تجسم آن کلمه ابدی یا لوگوس خدا (در زبان یونانی: Logos) می‌باشد که پا به عرصه تاریخ نهاد. او شخص دوم تثلیث مقدس است.^۱

ما انکار می‌کنیم که عیسی یک انسان صرف بود، و یا شخصی ساخته و پرداخته ذهن مسیحیان کلیسای اولیه.

اصل دوم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در ذات الهی‌اش با خدا همذات است (اصل هم‌سرشت بودن با خدا؛ در زبان یونانی: homoousios). بنابراین، او با پدر و روح‌القدس برابر بوده، و از ازل وجود داشته است.^۲

ما انکار می‌کنیم که عیسی صرفاً همانند خدا است (نظریه شبیه خدا بودن؛ در زبان یونانی: homoiousios). ما انکار می‌کنیم که پدر صرفاً عیسی را به پسرخواندگی پذیرفت.

اصل سوم

ما اعتراف می‌کنیم همصدا با اعتقادنامه نیقیه و اعتقادنامه کلسدان که عیسی مسیح هم‌خدای کامل است، هم انسان کامل. او دارای دو ذات است که در یک شخص الهی به هم می‌پیوندند.^۳

ما انکار می‌کنیم که عیسی فقط در قالب یک انسان صرف ظاهر شد. ما انکار می‌کنیم که عیسی پایین‌تر و کمتر از خدا بود.

اصل چهارم

ما اعتراف می‌کنیم همصدا با اعتقادنامه کلسدان که دو ذات مسیح در شخص الهی او به هم می‌پیوندند. اما این دو ذات با هم آمیخته نمی‌شوند، تمایزشان مخدوش نمی‌شود، به دو شخصیت منشعب نمی‌شوند، و از هم جدا نمی‌گردند. هر دو ذات، ویژگیها و صفات خود را حفظ می‌کنند.^۴

ما انکار می‌کنیم که تمایز میان دو ذات به معنی جدا نمودن آنها است.

^۱ در ابتدا کلمه بود؛ و کلمه نزد خدا بود؛ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر (یوحنا ۱: ۱، ۱۴). به این آیات نیز مراجعه نمایید: مزبور ۱: ۱۱۰؛ متی ۳: ۱۷؛ ۸: ۲۹؛ ۱۶: ۱۶؛ مرقس ۱: ۱، ۱۱؛ ۱۵: ۳۹؛ لوقا ۲۲: ۷۰؛ یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱۰: ۳۰؛ ۱۴: ۱؛ ۲۸: ۲۰؛ غلاطیان ۴: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ کولسیان ۹: ۲؛ عبرانیان ۵: ۷؛ اول یوحنا ۵: ۲۰.

^۲ پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید؛ و ایشان را به اسم آب و این و روح‌القدس تعمید دهید (متی ۱۹: ۲۸). به این آیات نیز مراجعه نمایید: یوحنا ۳: ۱۵-۱۶؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۵۴؛ ۱۰: ۲۸؛ رومیان ۵: ۲۱؛ ۶: ۲۳؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ افسسیان ۲: ۱۸؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ اول پطرس ۵: ۱۰؛ یهودا ۱: ۲۱.

^۳ که در وی از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است (کولسیان ۲: ۹). به این آیات نیز مراجعه نمایید: لوقا ۱: ۳۵؛ یوحنا ۱۰: ۳۰؛ رومیان ۹: ۵؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ اول پطرس ۳: ۱۸.

^۴ شمعون پطرس در جواب گفت: «تویی مسیح، پسر خدای زنده.» عیسی در جواب وی گفت: «خوشا به حال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است» (متی ۱۶: ۱۶-۱۷). به این آیات نیز مراجعه نمایید: لوقا ۱: ۳۵، ۴۳؛ یوحنا ۱: ۱، ۳؛ ۸: ۵۸؛ ۱۷: ۵؛ اعمال رسولان ۲۸: ۲۰؛ رومیان ۱: ۴؛ ۳: ۱۴؛ ۵: ۹؛ دوم قرنتیان ۸: ۹؛ کولسیان ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ اول پطرس ۳: ۱۸؛ یهودا ۱: ۴؛ مکاشفه ۸: ۱۷؛ ۲۲: ۱۳.

اصل پنجم

ما اعتراف می‌کنیم که ذات الهی و ذات انسانی مسیح در یک شخص یا آقنوم به هم پیوستند. ما اعتراف می‌کنیم وقتی مسیح جسم پوشید، هم ذات الهی، و هم ذات انسانی‌اش ویژگیها و صفات خود را بی‌کم و کاست حفظ کردند.^۵

ما انکار می‌کنیم که ذات انسانی عیسی دارای صفات الهی بود. ما انکار می‌کنیم که ذات الهی عیسی ویژگیها و صفات الهی را به ذات انسانی‌اش انتقال داد. ما انکار می‌کنیم که وقتی عیسی جسم پوشید، و خود را «خالی» نمود، از صفات الهی‌اش دست کشید، یا آنها را کنار گذاشت.

اصل ششم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی تصویر کامل و محض خدا است. ما اعتراف می‌کنیم که انسان بودن به معنی واقعی‌اش یعنی به تصویر عیسی درآمدن.^۶ ما انکار می‌کنیم که ذات انسانی عیسی صرفاً یک شیخ بود، یا فقط در ظاهر به نظر می‌رسید که دارای گوشت و استخوان است (نظریه معروف به داکتیزم).

اصل هفتم

ما اعتراف می‌کنیم که مسیح در قالب انسان کامل، از همه محدودیتهای انسانی برخوردار بود، و دستخوش ضعف و خستگی و هر مشخصه دیگری می‌گشت که از ویژگیهای معمول بدن انسان می‌باشد. ما اعتراف می‌کنیم که او به استثنای ذات گناه‌آلود، از هر نظر مانند ما بود.^۷ ما انکار می‌کنیم که عیسی گناه کرد. ما انکار می‌کنیم هر نظریه‌ای را که معتقد است عیسی به معنای واقعی وسوسه نشد، و متحمل رنج و عذاب و مشقت نگشت. ما انکار می‌کنیم که سرشت انسانی عیسی به گناه آلوده بود، و یا اینکه عاری از گناه بودن عیسی با انسان واقعی بودنش سازگاری نداشت.

^۵ درباره پسر خود که به حسب جسم از نسل داوود متولد شد؛ و به حسب روح قدوسیت، پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان؛ یعنی خداوند ما عیسی مسیح (رومان ۱: ۳-۴). به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۹: ۱۰؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۸: ۱۹؛ یوحنا ۱: ۱؛ ۲۷: ۱۱، ۳۵؛ ۲۸: ۲۰؛ رومیان ۹: ۵؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۲؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۷؛ ۲: ۹-۱۰؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ عبرانیان ۳: ۱، ۸-۹؛ اول پطرس ۳: ۱۸؛ دوم پطرس ۱: ۱.

^۶ و او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات. همه به وسیله او، و برای او آفریده شد (کولسیان ۱: ۱۵-۱۶). به این آیات نیز مراجعه نمایید: رومیان ۸: ۲۹؛ دوم قرنتیان ۴: ۴-۶؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۴؛ عبرانیان ۱: ۳-۴.

^۷ از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود، تا در امور خدا رییس کهنه‌ای کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکند. زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید، استطاعت دارد که تجربه‌شدگان را اعانت فرماید (عبرانیان ۲: ۱۷-۱۸). به این آیات نیز مراجعه نمایید: میکاه ۵: ۲؛ لوقا ۲: ۵۲؛ رومیان ۸: ۳؛ غلاطیان ۴: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۵-۸؛ عبرانیان ۷: ۱۵.

اصل هشتم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در جسم انسانی پا به عرصه تاریخ نهاد. نطفه او به قدرت روح القدس و به طرز معجزه‌آسا در بطن مریم باکره شکل گرفت، و از او تولد یافت.^۸
 ما انکار می‌کنیم که عیسی ذات الهی‌اش را از مریم به ارث برد، و یا عاری از گناه بودنش از مریم به او انتقال یافت.

اصل نهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی آدم دوم، یا آدم جدید است. هر آنچه آدم اول در به‌جای آوردنشان قصور کرد، عیسی آنها را تمام و کمال به انجام رساند.^۹
 ما انکار می‌کنیم که عیسی تأثیرات یا پیامدهای سقوط آدم را از او به ارث برد. ما انکار می‌کنیم که عیسی در جسم انسانی‌اش متحمل فساد و تباهی ناشی از گناه اولیه بود.

^۸ و در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت، فرستاده شد؛ نزد باکره‌ای نامزد مردی مُسمّا به یوسف از خاندان داوود، و نام آن باکره مریم بود (لوقا ۱: ۲۶-۲۷). به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۱: ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۱، ۳۵؛ رومیان ۳: ۱؛ غلاطیان ۴: ۴.

^۹ لهدا همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به این‌گونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند. زیرا قبل از شریعت، گناه در جهان می‌بود، لکن گناه محسوب نمی‌شود در جایی که شریعت نیست. بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم که نمونه آن آینده است، گناه نکرده بودند. و نه چنان که خطا بود، همچنان نعمت نیز باشد. زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چقدر زیاده فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان؛ یعنی عیسی مسیح است، برای بسیاری افزون گردید. و نه اینکه مثل آنچه از یک گناهکار سر زد، همچنان بخشش باشد؛ زیرا حکم شد از یک برای قصاص، لکن نعمت از خطایای بسیار برای عدالت رسید. زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیله یک؛ یعنی عیسی مسیح. پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص، همچنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات. زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید. اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود. لکن جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی‌نهایت افزون گردید. تا آنکه چنان که گناه در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت برای حیات جاودانی، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح (رومیان ۵: ۱۲-۲۱). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اول قرنتیان ۱۵: ۲۲، ۴۵-۴۹؛ افسسیان ۲: ۱۴-۱۶.

اصل دهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی با اطاعت همه‌جانبه، و با تحمل رنج و عذاب صلیب، مطالبات شریعت را تمام و کمال به انجام رساند. ما اعتراف می‌کنیم که او با زندگی عاری از گناه خود، و با مرگش بر روی صلیب، جریمه گناه ما را بر دوش گرفت.^{۱۰}

ما انکار می‌کنیم که عیسی حتی در یک مورد از اطاعت شریعت خدا کوتاهی نموده، یا از شریعت خدا روی گردانده است.

اصل یازدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی یگانه میانجی میان خدا و انسان است.^{۱۱}

ما انکار می‌کنیم که خدا به جز خداوند عیسی مسیح، شخص دیگری را فرستاده یا خواهد فرستاد که جسم انسانی به خود بگیرد. ما انکار می‌کنیم که جز خداوند عیسی مسیح، واسطه و میانجی دیگری وجود دارد یا وجود خواهد داشت تا انسانها را به رستگاری برساند. ما به جز مسیح، هر طریق نجات و رستگاری دیگری را انکار می‌کنیم.

اصل دوازدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی بر روی صلیب جایگزین ما شد، برای گناه کفاره کرد، غضب خدا را فرو نشاند، و عدالت خدا را اجرا نمود.^{۱۲}

ما انکار می‌کنیم که مرگ عیسی فقط یک سرمشق و الگو بود، یا صرفاً پیروزی بر شیطان، یا یک باج و پرداخت بهای آزادی به شیطان به حساب آمد.

اصل سیزدهم

ما اعتراف می‌کنیم که به خاطر زندگی مطیعانه، و مرگ مسیح، گناه ما به حساب او گذاشته می‌شود، و با ایمان به او، عدالت او محسوب می‌شود.^{۱۳}

ما انکار می‌کنیم که خدا از گناه ما چشم‌پوشی کرد، یا صرفاً از آن گذشت. ما انکار می‌کنیم که عدالت مسیح به حساب ما گذاشته نشد.

^{۱۰} زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید (رومیان ۵:۱۹). به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۱۵:۳؛ یوحنا ۸:۲۹؛ دوم قرنتیان ۵:۲۱؛ فیلیپیان ۸:۲؛ عبرانیان ۸:۵.

^{۱۱} زیرا خدا واحد است، و در میان خدا و انسان یک متوسطی است؛ یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد (اول تیموتائوس ۵:۲). به این آیات نیز مراجعه نمایید: ایوب ۲۳:۳۳-۲۸؛ یوحنا ۶:۱۴؛ عبرانیان ۹:۱۵؛ ۱۲:۲۴.

^{۱۲} که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او، تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا، برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود، و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد (رومیان ۳:۲۵-۲۶). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اشعیا ۵۳؛ رومیان ۵:۶، ۸، ۱۵؛ ۶:۱۰؛ ۷:۴؛ ۸:۳۴؛ ۹:۱۴؛ ۱۵؛ اول قرنتیان ۱۵:۳، ۱۴-۱۵؛ افسسیان ۲:۵؛ اول تسالونیکیان ۵:۱۰؛ دوم تیموتائوس ۱:۲؛ عبرانیان ۲:۱۷؛ ۹:۱۴-۱۵؛ ۱۰:۱۴؛ اول پطرس ۲:۲۴-۲۵؛ ۳:۱۸؛ اول یوحنا ۲:۲؛ ۴:۱۰.

^{۱۳} زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم (دوم قرنتیان ۵:۲۱). به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۵:۲۰؛ رومیان ۳:۲۱-۲۲؛ ۴:۱۱؛ ۵:۱۸؛ اول قرنتیان ۱:۳۰؛ دوم قرنتیان ۹:۹؛ افسسیان ۶:۱۴؛ فیلیپیان ۱:۱۱؛ ۳:۹؛ عبرانیان ۱۲:۲۳.

اصل چهاردهم

ما اعتراف می‌کنیم به آموزه «عادل‌شمردگی فقط از طریق ایمان». ما اعتراف می‌کنیم که گناهکار بدون در نظر گرفتن لیاقت و شایستگی و اعمال نیکویش، فقط با ایمان به شخص عیسی مسیح، و فقط با ایمان به کاری که او به انجام رساند، در حضور خدا بی‌گناه و عادل شمرده می‌شود. ما اعتراف می‌کنیم که انکار نمودن آموزه «عادل‌شمردگی فقط از طریق ایمان» به معنی انکار نمودن انجیل است.^{۱۴}

ما انکار می‌کنیم که بر مبنای دمیدن فیض به درونمان عادل شمرده می‌شویم. ما انکار می‌کنیم که فقط آن هنگام عادل شمرده می‌شویم که در فطرت خودمان به فردی صالح و درستکار تبدیل گردیم. ما انکار می‌کنیم که بقای عادل‌شمردگی ما در آینده، استوار بر امانت و وفاداری ما است.

اصل پانزدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی روز سوم زنده شد، و بسیاری او را در پیکر انسانی‌اش مشاهده کردند.^{۱۵}

ما انکار می‌کنیم که عیسی صرفاً به نظر می‌رسید که مرده باشد. ما انکار می‌کنیم که فقط روح او جان گرفت، یا رستاخیز عیسی صرفاً در روح و روان پیروانش به وقوع پیوست.

اصل شانزدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی نوبر قیام‌یافتگان است. ما اعتراف می‌کنیم که او بر گناه و مرگ پیروز گشته است، و ما نیز در زندگی نوین خود از مردگان قیام خواهیم کرد.^{۱۶}

ما انکار می‌کنیم که بدن قیام‌کرده و جلال‌یافته عیسی بدنی کاملاً جدید، و متفاوت با آن بدنی بود که در قبر جای گرفت. ما انکار می‌کنیم که رستاخیز ما فقط رستاخیزی به لحاظ روحانی، و یا واقعیتهای نمادین است.

^{۱۴} پس چون که به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح (رومیان ۱:۵). به این آیات نیز مراجعه نمایید: لوقا ۱۸:۱۴؛ رومیان ۳:۲۴؛ ۵:۴؛ ۵:۵؛ ۱۰:۸؛ ۳:۰۸؛ ۴:۱۰؛ اول قرنتیان ۶:۱۱؛ دوم قرنتیان ۵:۱۹، ۲۱؛ غلاطیان ۲:۱۶-۱۷؛ ۳:۱۱، ۲۴؛ ۴:۵؛ افسسیان ۱:۷؛ تیطس ۳:۵، ۷.

^{۱۵} زیرا که اول به شما سپردم آنچه نیز یافتیم، که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست؛ و اینکه به کیفا ظاهر شد، و بعد از آن به آن دوازده (اول قرنتیان ۱۵:۳-۵). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اشعیا ۵۳؛ متی ۲۱:۱۶؛ ۲۱:۲۱؛ ۵:۱-۲۱؛ ۳۲:۲۶؛ ۱۰:۲۸-۱۰؛ لوقا ۲۴:۵۰-۵۱؛ یوحنا ۳:۱۳؛ ۲۰:۱۷؛ ۲۱:۱۴؛ اعمال رسولان ۹:۱-۱۱؛ ۲۵:۲؛ ۳۲؛ ۱۵:۳؛ ۲۶؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۴:۱۰؛ رومیان ۹:۶-۱۰؛ افسسیان ۴:۸-۱۰؛ اول پطرس ۲:۲۴-۲۵.

^{۱۶} زیرا که آنچه مرد، یک مرتبه برای گناه مرد؛ و به آنچه زندگی می‌کند، برای خدا زیست می‌کند (رومیان ۶:۱۰). به این آیات نیز مراجعه نمایید: رومیان ۵:۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۷؛ ۴:۶؛ ۸، ۱۱؛ ۹:۱۰؛ اول قرنتیان ۱۵:۲۰، ۲۳، ۵۵؛ دوم قرنتیان ۹:۱؛ ۳:۷؛ ۴:۱۰-۱۱؛ افسسیان ۲:۶؛ کولسیان ۲:۱۲؛ دوم تسالونیکیان ۲:۱۳؛ عبرانیان ۲:۹، ۱۴؛ اول یوحنا ۳:۱۴؛ مکاشفه ۴:۱۴؛ ۲۰:۱۴.

اصل هفدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی به تخت آسمانی‌اش در دست راست خدای پدر صعود نمود. ما اعتراف می‌کنیم که او در حال حاضر در مقام پادشاه سلطنت می‌نماید؛ و در قدرت و جلال، در مقابل دیدگان همگان بازخواهد گشت.^{۱۷}

ما انکار می‌کنیم که عیسی در رابطه با بازگشت دوباره‌اش دچار اشتباه شد، و یا سلطنتش تا زمانی دیگر در آتیه به تعویق افتاده است.

اصل هجدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در روز پنطیکاست، روح خود را نازل کرد. ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در عصر حاضر، کلیسای خود را بنا می‌کند. او سر و سرور، و یگانه پادشاه کلیسا است.^{۱۸}

ما انکار می‌کنیم که عیسی اسقف کلیسای روم را نایب و جانشین خود تعیین نمود. ما انکار می‌کنیم که هر فرد دیگری به جز عیسی مسیح می‌تواند سر یا پادشاه کلیسا باشد.

اصل نوزدهم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در مقام نبی، کاهن، و پادشاه نقش شفیع و میانجی را بر عهده دارد (مقام سه‌گانه؛ در زبان لاتین: munus triplex).^{۱۹}

ما انکار می‌کنیم که رسالت عیسی صرفاً به سه مقام نبی، کاهن، یا پادشاه محدود است.

^{۱۷} پس آنانی که جمع بودند، از او سوال نموده گفتند: «خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: «از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت، و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره، و تا اقصای جهان.» و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگرستند، بالا برده شد، و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال رسولان ۱:۶-۱۱). به این آیات نیز مراجعه نمایید: لوقا ۲۴:۵۰-۵۳؛ اعمال رسولان ۱:۲۲؛ ۳۳-۳۵؛ افسسیان ۴:۸-۱۰؛ اول تیموتائوس ۳:۱۶.

^{۱۸} و همه چیز را زیر پایهای او نهاد، و او را سر همه چیز به کلیسا داد (افسسیان ۱:۲۲). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اول قرنتیان ۳:۱۱-۵؛ افسسیان ۴:۱۵؛ ۲۳:۵؛ کولسیان ۱:۱۸.

^{۱۹} خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقهای مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود متکلم شد، که او را وارث جمیع موجودات قرار داد، و به وسیله او عالمها را آفرید؛ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده، و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی‌علین بنشست؛ و از فرشتگان افضل گردید، به مقدار آنکه اسمی بزرگ‌تر از ایشان به میراث یافته بود (عبرانیان ۱:۴). به این آیات نیز مراجعه نمایید: لوقا ۱:۳۳؛ یوحنا ۱:۱-۱۴؛ اعمال رسولان ۳:۲۲؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۵:۵، ۶.

اصل بیستم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی در مقام نبی اراده خدا را اعلام کرد، رویدادهای آینده را پیشگویی نمود، و خودش تحقق وعده‌های خدا بود.^{۲۰}

ما انکار می‌کنیم که عیسی حتی یک نبوت اشتباه یا کلام اشتباه بر زبان آورده باشد. ما انکار می‌کنیم که او از به انجام رساندن حتی یک نبوت در رابطه با خودش قصور نمود، یا در آینده قصور نماید.

اصل بیست و یکم

ما اعتراف می‌کنیم که عیسی کاهن اعظم ما در رتبه ملک‌یصدق است که به نیابت از ما قربانی کامل و بی‌نقص را فراهم نمود، و همواره در حضور پدر برای ما شفاعت می‌کند.^{۲۱}

ما انکار می‌کنیم که چون عیسی از طایفه یهودا بود نه از طایفه لاوی، واجد شرایط نیست تا کاهن ما باشد. ما انکار می‌کنیم که مسیح در مقام کاهن و قربانی، امروز نیز در آیین نیایش و پرستش کلیساهای سنتی، نظیر کلیسای کاتولیک و ارتدکس، باز هم خود را همچون قربانی تقدیم می‌کند. ما انکار می‌کنیم که مسیح فقط در آسمان کاهن گشت، ولی بر روی زمین کاهن نبود.

^{۲۰} و الحال ای برادران، می‌دانم که شما و چنین حکام شما این را به سبب ناشناسایی کردید. و لیکن خدا آن اخباری را که به زبان جمیع انبیای خود، پیش گفته بود که مسیح باید زحمت بیند، همین‌طور به انجام رسانید. پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد، و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد. و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد. که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که «خداوند خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند، بشنوید» (اعمال رسولان ۱۷:۳-۲۲). به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۱۷:۲۰؛ ۳:۲۴؛ ۳۱:۲۶؛ ۳۴، ۶۴؛ مرقس ۱:۱۴-۱۵؛ لوقا ۱۸:۴-۱۹، ۲۱؛ یوحنا ۱۳:۱۳؛ ۲۲:۲۱؛ اول قرن‌تینان ۲۰:۱؛ عبرانیان ۲:۱؛ مکاشفه ۱۹:۱۰.

^{۲۱} زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الان در حضور خدا به جهت ما ظاهر شود. و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رییس کهته که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل می‌شود؛ زیرا در این صورت می‌بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الان یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. و چنان که مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید؛ بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات (عبرانیان ۲۴:۹-۲۸). به این آیات نیز مراجعه نمایید: یوحنا ۱:۳۶؛ ۱۹:۲۸-۳۰؛ اعمال رسولان ۸:۳۲؛ اول قرن‌تینان ۵:۷؛ عبرانیان ۲:۱۷-۱۸؛ ۱۴:۴-۱۶؛ ۲۵:۷؛ ۱۲:۱۰؛ ۲۶؛ اول پطرس ۱:۱۹؛ مکاشفه ۵:۶؛ ۸:۱۲-۱۳؛ ۱:۶؛ ۱۶؛ ۹:۷-۱۰؛ ۱۴؛ ۱۷؛ ۱۸؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۳:۸؛ ۱۱؛ ۳:۱۵.

- اصل بیست و دوم **ما اعتراف می کنیم** که عیسی در مقام شاهنشاه و سرآمد همه شاهان، بر جمیع قدرتهای دنیوی و قدرتهای ماورای طبیعی سلطنت می نماید، حال تا ابد.^{۲۲}
- ما انکار می کنیم** که پادشاهی عیسی صرفاً یک پادشاهی سیاسی متعلق به این دنیا بود. ما انکار می کنیم که جمیع رهبران این دنیا در نهایت به عیسی پاسخگو نخواهند بود.
- اصل بیست و سوم **ما اعتراف می کنیم** که عیسی مسیح در جلال بازمی گردد تا همه انسانها را داوری نماید، و سرانجام جمیع دشمنانش را مغلوب سازد، مرگ را نابود کند، و آسمان و زمین جدیدی پدید آورد که راستی و عدالت در آن حکمفرما باشد.^{۲۳}
- ما انکار می کنیم** که بازگشت نهایی مسیح در سال هفتاد میلادی به وقوع پیوست. ما انکار می کنیم که بازگشت دوباره او، و رویدادهای مربوط به آن را صرفاً باید به حالت نمادین از نظر گذراند.
- اصل بیست و چهارم **ما اعتراف می کنیم** کسانی که به نام عیسی ایمان بیاورند، به ملکوت جاودانه او راه خواهند یافت؛ اما کسانی که به عیسی ایمان نیاورند، در هشیاری کامل، به مجازات و عذاب ابدی در جهنم گرفتار خواهند شد.^{۲۴}
- ما انکار می کنیم** که در آخر، جمیع انسانها رستگار خواهند شد (نظریه اعتقاد به رستگاری کل انسانها). ما انکار می کنیم کسانی که بدون ایمان به مسیح از این دنیا می روند، کاملاً نیست و نابود می گردند (نظریه نابودی کامل، یا تبدیل به هیچ).

^{۲۲} زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می باید او سلطنت بنماید (اول قرن تیان ۲۵:۱۵). به این آیات نیز مراجعه نمایید: مزمور ۱۱۰؛ متی ۱۸:۲۸-۲۰؛ لوقا ۱:۳۲؛ ۱۱:۲؛ اعمال رسولان ۱:۱۶؛ ۲۵:۲؛ ۲۹؛ ۳۴؛ ۲۵:۴؛ ۲۲:۱۳؛ ۳۴؛ ۳۶؛ ۱۵:۱۶؛ رومیان ۱:۳؛ ۴:۶؛ دوم تیموتائوس ۲:۸؛ عبرانیان ۴:۷؛ مکاشفه ۳:۷؛ ۵:۵؛ ۲۲:۱۶.

^{۲۳} و ما را مأمور فرمود که به قوم موعظه و شهادت دهیم بدین که خدا او را مقرر فرمود تا داور زندگان و مردگان باشد (اعمال رسولان ۱۰:۴۲). به این آیات نیز مراجعه نمایید: یوحنا ۱۲:۴۸؛ ۳:۱۴؛ اعمال رسولان ۷:۷؛ ۳۱:۱۷؛ دوم تیموتائوس ۴:۱، ۸.

^{۲۴} که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان بود. آن گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود (متی ۴۱:۱۳-۴۳). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اشعیا ۶:۹-۹؛ ۶۵:۱۷-۲۵؛ ۶۶:۲۱-۲۳؛ دانیال ۷:۱۳-۱۴؛ متی ۲۹:۵-۳۰؛ ۲۸:۱۰؛ ۸:۹-۹؛ مرقس ۹:۴۲-۴۹؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۱۲:۵؛ یوحنا ۱۸:۳۶؛ کولسیان ۱:۱۳-۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۱:۵-۱۰؛ دوم تیموتائوس ۴:۱، ۱۸؛ عبرانیان ۱۲:۲۸؛ دوم پطرس ۱:۱۱؛ ۴:۲؛ مکاشفه ۲۰:۱۵.

اصل بیست و پنجم

ما اعتراف می‌کنیم که وقتی عیسی بر جمیع دشمنانش چیره گردد، ملکوتش را به پدر می‌سپارد. ما اعتراف می‌کنیم که در آسمان جدید و زمین جدید، خدا کل در کل خواهد بود، و ایمانداران، مسیح را رو در رو ملاقات خواهند کرد. ایشان به شباهت مسیح تبدیل می‌گردند، و تا ابد از حضور او لذت می‌برند.^{۲۵}

ما انکار می‌کنیم این ابدیتی که در آینده برقرار می‌گردد، فقط یک حال و هوای روحانی، یا صرفاً نمادین است. ما انکار می‌کنیم که به جز عیسی مسیح امید دیگری برای انسان وجود دارد، یا نام دیگر و طریق دیگری به جز او وجود دارد که بتوان به وسیله آن رستگار شد.

^{۲۵} بعد از آن انتها است، وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. زیرا «همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است.» اما چون می‌گوید که «همه چیز را زیر انداخته است»، واضح است که او که همه را زیر او انداخت مستثنی است. اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آن‌گاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد (اول قرنیتیان ۱۵: ۲۴-۲۸). به این آیات نیز مراجعه نمایید: اشعیا ۱۷: ۶۵؛ ۲۲: ۶۶؛ فیلیپیان ۹: ۲-۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۳-۳؛ مکاشفه ۱: ۲۱-۵؛ ۲: ۲-۵.